

مجله زبان و ادبیات عربی (مجله ادبیات و علوم انسانی سابق) (علمی - پژوهشی)، شماره دوازدهم - بهار و تابستان ۱۳۹۴

دکتر کلثوم صدیقی (استادیار زبان و ادبیات عربی دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران)

رویکردی نوین به فرآیند واژه‌گزینی در زبان عربی

چکیده

واژگان از دیرباز تا کنون دارای جایگاهی غیرقابل انکار در گفتار بوده‌اند و در دوره‌ی معاصر نیز واژه‌سازی و واژه‌گزینی از یک سو از فرآیندهای برتر برابریابی واژگانی جهت برون‌رفت از چالش کمبود واژگان به شمار می‌روند به‌ویژه در کشورهای عربی‌زبان و فارسی‌زبان و از دیگر سوی به عنوان برجسته‌ترین بستر برنامه‌ریزی زبان، مورد توجه زبان‌پژوهان قرار دارند. هدف از نگارش جستار پیش‌رو، بررسی و مطالعه‌ی متون گفتاری علمی و خبری زبان عربی در دوره‌ی معاصر با بکارگیری روش توصیفی کاربردنگر می‌باشد و تلاش دارد تا در گستره‌ی واژه‌گزینی و اصطلاح‌یابی به خوانش متون کلاسیک زبان عربی با تأکید بر دوره‌ی جاهلی و تطبیق معنای کاربردی واژگان آن‌ها در متون گفتاری معاصر با تمرکز بر متن‌های گفتاری و خبری بپردازد. نتایج به دست آمده از این پژوهش نشان می‌دهد که بسیاری از واژگان موجود در متون ادبی کلاسیک در دوره‌ی معاصر به عنوان برابرنهادهای واژگان صنعت و مدرنیسم بیشتر در متون غیرادبی به کار گرفته می‌شوند؛ همچنین برآیند نهایی این پژوهش، حکایت از آن دارد که نظر به اشتقاقی بودن زبان عربی، شیوه‌های برابریابی واژگانی این زبان در حال حاضر به ترتیب میزان کاربرد گویشوران عبارت‌انداز: واژه‌سازی، واژه‌گزینی با غلبه‌ی توسعه‌ی معنایی و مجاز اما شیوه‌های ترجمه‌ی وام‌واژه و سرواژه‌سازی در میان گویشوران معاصر عرب به تقلید از زبان انگلیسی صرفاً در راستای اختصار و در تعبیر و اصطلاحات دارای اطناب کاربرد دارد.

کلیدواژه‌ها: واژه‌گزینی، زبان عربی، توسعه‌ی معنایی، ترجمه‌ی وام‌واژه، سرواژه‌سازی.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۷/۲۶ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۴/۲۵

پست الکترونیکی: seddighi@ferdowsi.um.ac.ir

۱- مقدمه

۱-۱ پیشینه پژوهش

عامل اصلی که نگارنده را به نگارش جستار پیش رو رهنمون گردیده، بررسی مقالات و جستارهای مرتبط با دانش واژه‌گزینی زبان عربی در داخل کشور و کمبود نوشتارهای پژوهش‌بنیاد و کاربردگرا در این زمینه بوده است؛ واقعیت آن است که پژوهش‌های تخصصی بنیادین درباره‌ی واژه‌شناسی و برابریابی زبان عربی معاصر به شکل اعم و درباره‌ی شیوه‌های واژه‌گزینی این زبان به شکل ویژه در میان انبوه جستارهای انجام شده، حجم بسیار ناچیزی را به خود اختصاص داده است و تقریباً به نمونه‌های انگشت‌شماری مانند پژوهش ارجمند «تجربه‌ی کشورهای عربی در زمینه‌ی واژه‌گزینی» از یحیی معروف محدود گشته است از این رو نگارنده در پژوهش حاضر با استفاده از روش توصیفی کاربردنگر پس از گذاری بر منابع واژه‌گزینی زبان عربی، فرآیند واژه‌گزینی در این زبان را مورد مطالعه و بررسی قرار می‌دهد.

۱-۲ پرسش بنیادین

این پژوهش تلاش دارد تا با واکاوی و بازخوانی موردپژوهانه‌ی برخی از متون ادبی کلاسیک عربی-با تأکید بر اشعار دوره‌ی جاهلی- و نیز متون گفتاری و خبری معاصر به پرسش‌های بنیادین ذیل پاسخ دهد:

- ۱- کاربردترین شیوه‌های معادل‌گزینی و برابریابی زبان عربی در دوره‌ی معاصر چیست؟
- ۲- رایجترین الگوهایی که شیوه‌های کاربردی معادل‌گزینی معاصر در قالب آن‌ها نمود می‌یابند، کدام است؟
- ۳- میزان بهره‌گیری گویشوران عرب‌زبان از دو شیوه‌ی وامگیری و سرواژه‌سازی در چه سطحی قرار دارد؟

برجسته‌ترین انگاره‌ها و فرضیه‌ی مطرح در برابر پرسش‌های یاد شده، عبارتند از: ۱- در زبان عربی، پیامد تعلق این زبان به خانواده‌ی زبانی‌های سامی، پرکاربردترین شیوه‌ی معادل‌گزینی، واژه‌سازی است. ۲- نظر به تلاش عرب‌زبانان جهت دوری از اقتراض و وامگیری زبانی، شیوه‌ی واژه‌گزینی، دومین شیوه‌ی پرکاربرد معادل‌یابی به شمار می‌رود. ۳-

ترجمه‌ی وام‌واژه و سرواژه‌سازی در صورت ضرورت و در عین حال همراه با تغییرات حرفی و آوایی توسط گویشوران عرب استفاده می‌شود.

۲- گذاری بر منابع واژه‌گزینی

در زبان فارسی فرهنگ‌های مختلف موضوعی، دانشنامه‌ای، فرهنگ واژگان و قاموس‌های گونه‌گونی نگاشته شده است که می‌تواند همسان با زبان عربی در زمره‌ی یکی از عمده‌ترین منابع واژه‌گزینی به شمار رود هرچند از یک سو در مقایسه با زبان عربی و فرهنگ‌های دیرین و نوینی که در این زبان از دیرباز تا امروز به رشته‌ی نگارش درآمده، حجم کمتری را به خود اختصاص می‌دهد و از سوی دیگر به دلیل پیچیدگی و ابهام و سنت‌گرا بودن این دسته از منابع، توانش و یارای کمک گسترده‌ای در امر واژه‌گزینی و برابریابی علمی به افراد یا گروه‌های واژه‌گزین نمی‌کنند چنان‌که لطف‌الله یارمحمدی در این زمینه بر این باور است که «دستاوردهای ما در زمینه‌ی فرهنگ‌نویسی به زحمت می‌توانند گرهی از مشکلات کنونی جامعه‌ی علمی امروز بگشایند...» (یارمحمدی، ۱۳۸۵: ۱۳۰-۱۲۹)

منابع واژه‌گزینی زبان فارسی به روایت فرهنگستان این زبان عبارتند از:

همه‌ی واژگانی که صرف نظر از تبارشان فارسی به شمار می‌روند.

واژگان متعلق به زبان‌ها و گویش‌های زنده ایرانی.

واژگان و ریشه‌های متعلق به زبانهای باستانی و میانه ایران.

واژگان و صورت‌های ترکیبی اروپایی که یا در زبان مبدأ واژه‌ی بسیط باشند و یا ساختار

صرفی آنها به گونه‌ای باشد که توانش اعمال فرایندهای واژه‌سازی فارسی بر روی آنها وجود داشته باشد. (گروه واژه‌گزینی، ۱۳۸۸: ۳۴-۲۹)

در زبان عربی در زمینه‌ی منابع واژه‌گزینی، چهار منبع ارزشمند وجود دارد که عبارت‌اند از: قاموس‌های عمومی زبان عربی، کتاب‌های زبانشناسی، دانش‌نامه‌ها و فرهنگ‌های علوم مختلف و لهجه‌های عامیانه و رایج؛ (الخطیب، ۱۹۸۳: ۲۰۷-۲۰۵) از مشهورترین قاموس‌های عمومی «المقاییس» ابن فارس، «الصحاح» جوهری، «لسان العرب» ابن منظور، «المحیط» فیروزآبادی و «تاج العروس» زبیدی است. (الخطیب، دت: ۴۳)

کتاب‌های زبان‌شناسی معادل فرهنگ‌های موضوعی و معنایی امروزی است که از مشهورترین آن‌ها فرهنگ‌نامه‌های موضوعی «خَلق الإنسان»، «الإبل» و «الخیل» می‌باشد که در نگارش هریک، گروهی از نویسندگان مشارکت داشته‌اند؛ از مشهورترین فرهنگ‌نامه‌های معنایی یکی کتاب «الألفاظ» ابن سکیت است و دیگر «التلخیص» ابوهلال، «فقه اللغه» از ثعالبی و به‌ویژه «المخصّص» ابن سیده ی اندلسی. (مختار عمر، ۱۹۸۲: ۱۰۸)

دسته‌ی سوم از منابع واژه‌گزینی دانشنامه‌ها یعنی مجموعه‌های ترجمه یا تألیف شده و یا پدید آمده در حوزه‌ی تخصصی یک علم است که تعداد زیادی از دانش‌واژه‌ها و اصطلاحات ترجمه شده یا ساخته شده در حوزه‌ی علوم را دربرمی‌گیرد مانند کتاب «الحاوی» زکریای رازی در پزشکی، «الشفاء» ابن سینا در منطق، «الفلاحه الأندلسیه» ابن عوام اشبیلی و «صبح الأعشی» قلقشندی یا مانند «رساله فی حدود الأشیاء و رسومها» از کندی یا مانند «الجامع لمفردات الأدویه» اثر ابن بیطار جهت ساماندهی اصطلاحات تخصصی یک رشته. (الثعالبی، دت: ۱۳۰-۱۲۶ و الشرفاوی، ۱۹۹۱: ۵۰-۴۲)

چهارمین دسته از منابع واژه‌گزینی، لهجه‌های عامیانه است که بسیاری از واژگان کاربردی آن‌ها در واژه‌نامه‌ها و فرهنگ لغت‌ها نیامده است ولی توده و عوام مردم نسل به نسل، آن‌ها را به کار می‌برند مانند واژه‌ی لهجه‌ای «السّاقیه» به معنای چمچمه‌ی آب در لهجه‌ی مصری یا واژه‌ی لهجه‌ای «ملول» به معنی یکی از گونه‌های بلوط؛ و یا واژگان عربی صحیحی مانند بیاع، بطال، دَعَس که خواصّ و فرهیختگان به خاطر رواج کاربردش در میان عوام یا گرایش به واژگان جدیدتر، آن را به کار نمی‌برند و یا از گروه واژگان معرّب کاربردی توسط توده مانند «ورشه»، «طقم» و «ساندویش» و یا از گونه‌ی واژگان دارای ریشه و اصل عربی تغییر یافته تحت تأثیر یک فرآیند زبانی بی‌قاعده و غیرقیاسی مانند «کَبْتَل» که در اصل «کَتَل» بوده است یا «تعبان و رمضان» که بر بنیاد قیاس نادرست با «ظمان» رواج یافته‌اند. (خساره، ۲۰۰۸: ۳۹-۳۵)

۳- شیوه‌های واژه‌گزینی

شیوه‌های مورد پژوهش واژه‌گزینی زبان عربی در این نوشتار بر بنیاد مطالعات نگارنده یا از گونه‌ی توسعه‌ی معنایی است که به دو دسته تقسیم می‌شود: دسته‌ی نخست واژگان

نوگزیده‌ای است که پیش‌تر دلالت و نشانگری خاصی داشته‌اند و در این‌بخش در آغاز، مدلول کنونی و جدید آن‌ها در برابرشان نگاشته می‌شود و سپس مدلول نخست و پیشین با استناد به متون دیرین ارائه می‌گردد؛ دسته‌ی دوم، واژگان برگزیده‌ای است که پیش‌تر دلالت و نشانگری خاصی داشته‌اند و در ادوار پسین به عنوان برابرنهادی اصطلاحی دیگر از زبان مبدأ یا مقصد برگزیده شده‌اند و در این نوشتار، مدلول نخست و نوین آن‌ها در برابرشان نگاشته می‌شود و سپس، مدلول نوین با استناد به متون امروز تبیین می‌شود؛ در مراحل پسین، برابریابی و نندهای وام‌واژگان و در فرجام، سرواژه‌سازی از دیگر شیوه‌هایی است که به منظور راهکار واژه‌گزینی در زبان عربی مورد توجه قرار دارند.

واژه‌گزینی، دومین شیوه‌ای است که پس از واژه‌سازی برای برابریابی اعم از برابریابی دانش‌واژگان زبان مبدأ یعنی اصطلاحات بیگانه یا برابریابی اصطلاح و دانش‌واژه‌ی مورد نیاز در خود زبان مقصد برای مفهومی نوین به کار گرفته می‌شود و به معنای پیشنهاد برابرنهادی در برابر اصطلاح مورد نظر بر بنیاد نوگزینش یا برگزینش از میان واژگان موجود در زبان عربی می‌باشد مانند نوگزینش واژه‌ی «قطار» با انتقال نشانگری ویژه‌ی آن بر مدلول «قافله الجمال» به مدلول اصطلاح زبان مبدأ (train) که بر بنیاد اصول بلاغت کلاسیک ذیل شاخه‌ی «مجاز» قرار می‌گیرد به‌ویژه در تعریفی که صاحب جواهر از این گونه‌ی بیانی ارائه داده است و می‌گوید «المجاز مشتق من جاز الشیء یجوزہ - إذا تعدّاه - سمّوا به اللفظ الذی نُقِلَ من معناه الأصلي لیدلّ علی معنی غیره مناسب له» (الهاشمی، ۱۴۲۵: ۳۰۲) اگر این تعریف احمد الهاشمی از مجاز با آنچه که به مانند زبان عربی - در جهت پاسخگویی به نیاز زمان و گزینش واژگان پیشین برای مدلول‌های نوین - در زبان فارسی پیشنهاد شده است، مقایسه شود، ارزش کاربری امروزی مجاز با نام نوگزینش در زبان فارسی مطابق ترجمه - به معنای ارائه شده در این نوشتار - در زبان عربی در امر واژه‌گزینی و برابریابی به نیکی روشن می‌شود؛ در فرهنگستان زبان فارسی، نوگزینش را عبارت از گونه‌ای گسترش معنایی آگاهانه برای هماهنگ ساختن زبان با نیازهای جدید دانسته‌اند که در این گسترش، واژه افزون بر داشتن معنای سابق و حفظ نشانگری مفهومی بر مدلول نخستین بر معنایی جدید برای مدلول نوین نیز دلالت دارد مانند

«نوگزینش واژه‌ی «اعتبار» که مدلول نخستین آن، آبرو و عزت و احترام است و امروز در سازه‌ای مانند «گشایش اعتبار» بر حساب بانکی نیز دلالت دارد یا مانند واژه‌ی «نعلبکی» که افزون بر مدلول نخستین زیراستکانی بر قطعه‌ای در سر میل‌گردان نیز دلالت می‌کند یا مانند لفظ «گوشواره» که در حال حاضر افزون بر زیوری که از گوش آویخته می‌شود بر قطعه‌ای که در زیر فنرهای تخت، امکان تغییر طول فنر را در اثر نوسان فراهم می‌کند نیز اطلاق می‌گردد.» (گروه واژه‌گزینی، ۱۳۸۸: ۳۵) شیوه‌ی دیگر واژگزینی -چنان‌که از آن یاد کردیم- برگزینش واژه‌ای مناسب است که پیش‌تر نیز دارای نشانگری بر مدلولی ویژه نبوده باشد و امروز برای اصطلاح یا مدلول مورد نظر از میان گنجینه‌ی واژگان موجود زبان عربی انتخاب می‌شود - مانند برگزینش واژه‌ی «تنزیل» برای اصطلاح (download).

۳-۱۱ استناد نوگزیده در متون شعری دیرین

از آن‌جا معنای نخست این دسته از واژگان نوگزیده، پیشتر در متون ادبی و به‌ویژه شعر نمود داشته است در بررسی مثال‌های این دسته، تلاش گردید تا برای تبیین معنای قدیم از نمونه‌های شعر جاهلی و برای تبیین معنای جدید از نمونه‌های علمی و یا خبری استفاده شود؛ نتیجه‌ای که با بررسی این دسته واژگان نوگزیده برای نگارنده‌ی متن مسجّل گشت این است که به دلیل تازگی مدلول این دسته از واژگان و ارتباط و پیوند محکم آن با پیشرفت‌های علم، صنعت و فناوری جهانی، این دسته، کمتر در متون ادبی و یا شعری معاصر عربی بازتاب یافته است و بیشتر در متون منثور علمی قابل ردیابی است.

۳-۱-۱ واژه‌ی نوگزیده: **القناه دارای معنای نخستین نیزه** و در معنای امروزی کانال آب یا شبکه‌ی تلویزیونی و ماهواره‌ای مانند **قناه السّویس** که به شکل قنال السّویس برگرفته از کانال لاتین نیز به کار رفته است.

متن دارای معنای نخست نیزه

الف) از «معلقه» ی عنتره:

فَشَكَّكَتْ بِالرَّمْحِ الْأَصَمِّ ثِيَابَهُ لَيْسَ الْكَرِيمُ عَلِي [القَنَا] بِمُحَرَّمٍ

(الزوزنی، ۱۴۰۵: ۱۴۸)

(من با نیزه‌ی سخت خویش، جامه‌اش را دریدم حال آن‌که -در قانون من- بر نیزه رفتن افراد برجسته و بزرگوار، حرام نیست!)

(ب) از معلقه‌ی عمرو بن کلثوم تغلبی:

فَإِنَّ [فَنَاتِنَا] يَا عَمْرُو أَعَيْتَ عَلَى الْأَعْدَاءِ قَبْلَكَ أَنْ تَلِينَا

(همان: ۱۲۸)

(ای عمرو، نیزه‌ی ما پیش از تو در ستیز با دشمنان از کند شدن، ابا ورزیده است.)

متن دارای معنای نوین کانال: قناه السويس هی ممر مائی اصطناعی فی مصر، یبلغ طولها ۱۹۳ کم و تصل ما بین البحرین الأبيض و الأحمر.

کانال سوئز یک کانال / آبراه مصنوعی در مصر است با طول ۱۹۳ کیلومتر که حدفاصل دریای مدیترانه و دریای سرخ را به هم متصل می‌سازد.)

متن دارای معنای نوین ماهواره: القناه الفضائیه السوریه هی قناه التلفزيون السوریه الفضائیه الرسمیه و التي تبث فی کافه أنحاء العالم.

(شبکه‌ی ماهواره‌ای سوریه، شبکه‌ی رسمی تلویزیونی ماهواره‌ای سوریه است که در همه جای دنیا پخش می‌شود.)

۳-۱-۲ واژه‌ی نوگزیده: اُنْبُوبِ دَارَايِ مَعْنَايِ نَخْسْتِيْنِ بِنْدِ وَ نِي وَ دَر مَعْنَايِ اَمْرُوْزِي لَوْلَهِي اَبِ يَ لَوْلَهِي اَزْمَايْشِگَاھِ مَانْدِ اُنْبُوبِ الْمَاءِ يَ اُنْبُوبِ الْمَخْتَبِرِ وَ يَ اَطْفَالِ الْاَنْاَيِبِ.

متن دارای معنای نخست بند و نی از معلقه‌ی امرؤ القیس:

وَ كَشْحِ لَطِيْفِ كَالْجَدِيْلِ مُخَصَّرٍ وَ سَاقِ كِ [اُنْبُوبِ] السَّقْيِ الْمُدَلَّلِ

(البستانی، ۱۴۲۵: ۳۳)

(محبوب من، لاغراندام باریک‌میانی است مانده‌ی بافه‌ی چرمی و ساق‌های خوش‌تراش پایش بسان ساقه‌ی شاداب و زیبای خرمايي سیراب و پر بار است.)

متن دارای معنای نوین لوله‌ی آب: وافقت ایران علی بیع میاهها من أحد الأنهار القریبه من الكويت، عبر مد خط أنایب بری و بحری یمر تحت میاه الخلیج العربی.

(ایران با فروش آب یکی از رودهای نزدیک کویت از طریق لوله‌کشی در خشکی و دریا از زیر آب‌های خلیج فارس موافقت کرد.)

متن دارای معنای نوین لوله‌ی آزمایشگاه: عرف العالم مصطلح «أطفال الأنايب» لأول مره عام ۱۹۷۸، عندما ولدت الطفلة لويس براون، لتكون أول طفله أنابيب في العالم.

(جهان برای نخستین بار در سال ۱۹۷۸ با اصطلاح «نوزاد پرورش یافته در لوله‌های آزمایشگاهی» آشنا شد هنگامی که دختر بچه‌ی ای به نام لوئیس براون به عنوان اولین جنین آزمایشگاهی و لقاح مصنوعی جهان متولد شد.)

۳-۱-۳ واژه‌ی نوگزیده: **ثُرَيَّا** دارای معنای نخستین خوشه‌ی پروین و در معنی امروزی لوستر.

متن دارای معنای نخست خوشه‌ی پروین از معلقه‌ی امرؤ القیس:

إِذَا مَا [الثُّرَيَّا] فِي السَّمَاءِ تَعَرَّضَتْ تَعَرَّضَ أَثْنَاءِ الْوِشَاحِ الْمَفْصَلِ

(الزَّوْزَنِي، ۱۴۰۵: ۱۷)

(من نزد محبوبه‌ی خویش رفتم، بدانگاه که ستارگان خوشه‌ی پروین بسان کناره‌های حمایتی جواهرنشان / گردن‌آویزی درخشان در آسمان، رخ می‌نمایاند.)

متن دارای معنای نوین لوستر از خلیل حاوی در سروده‌ی «المجوس فی اوروبا»: فاستحالت عَتَمَاتُ السَّقْفِ / بَلُورًا، ثُرَيَّاتٍ وَ زُرْقَه. (حاوی، ۱۹۹۳: ۱۴۳)

(پس تاریکی‌های سقف به بلور، لوستر و چلچراغ و نور آبی بدل گشت.)

۳-۱-۴ واژه‌ی نوگزیده: **مُعَبَّد** دارای معنای نخستین آغشته به قطران در معنی امروزی راه آسفالت شده و هموار.

متن دارای معنای نخست آغشته به قطران از معلقه‌ی طرفه:

إِلَى أَنْ تَحَامَتَنِي الْعَشِيرَةُ كُلُّهَا وَأُفْرِدْتُ إِفْرَادَ الْبَعِيرِ [الْمُعَبَّدِ]

(همان: ۶۲)

(تا بدان جا که همه‌ی افراد قبیله، مرا راندند و طرد کردند و من بسان شتری گر و بیمار، تنها مانده و در انزوا قرار گرفتم.)

متن دارای معنای نوین آسفالت شده و هموار: و أفاد أن الميليشيات الحوثيه يحاولن التحرك في طرق وعره بعيداً عن الطرق المعبده نظراً لأن الطيران يتواجد بصفه مستمره في الأجواء اليمنيّه.

(این منبع بیان داشت که شبه‌نظامیان حوثی در تلاش جهت حرکت در راه‌های صعب‌العبور و به دور از راه‌های آسفالت‌شده‌ی مسطح هستند زیرا نیروی هوایی همواره در آسمان یمن حضور دارد.)

۳-۱-۵ واژه‌ی نوگزیده: **مَحَلٌّ** دارای دلالت نخستین مکان و جای فرود آمدن در معنی امروزی فروشگاه.

متن دارای دلالت نخست مکان و جای فرود آمدن از معلقه‌ی لبید:

عَفَتِ الدِّيَارُ [مَحَلُّ]هَا فَمُقَامُهَا بِمِنَى تَأَبَّدَ غَوْلُهَا فَرَجَاهُهَا

(الزوزنی، ۱۴۰۵: ۹۱)

(این سرزمین، خانه‌ها، منزلگاه‌ها و اقامتگاه‌هایش - در گذر زمان - از شدت فرسودگی محو گشته‌اند چنان که پنداری کوه‌های غول و رجام در منطقه‌ی منا، به چشم ناآشنا و غریب می‌آید.)

متن دارای معنای نوین فروشگاه: شارع کورسو فی روما یضمّ محلّات عدیده من أدوات کهربائیّه إلى محلّات الموسیقی و محلّات الأحذیه .

(خیابان کورسو در شهر رم دارای فروشگاه‌های متعددی است از فروشگاه‌های لوازم برقی گرفته تا فروشگاه‌های لوازم موسیقی و کفش فروشی‌ها.)

۳-۱-۶ واژه‌ی نوگزیده: **مدافع دارای معنای نخستین آبراهه** در معنی امروزی توپخانه مانند مدافع الهاون.

متن دارای معنای نخست آبراهه از معلقه‌ی لبید:

ف [مَدْفَعٌ] الرِّيَّانِ غُرِّيَ رَسْمُهَا خَلَقًا كَمَا ضَمِنَ الْوُحْيَ سِيْلَامُهَا

(البستانی، ۱۴۲۵: ۱۰۳)

(نشانه‌ها و آثار مسیل کوه ریّان چنان کهنه و فرسوده گشته که نگاره‌ها و نقش‌های ناخوانای سنگ‌نوشته‌ای را مانده است.)

متن دارای معنای نوین توپخانه: و يبدأ البرنامج التدريبي صباحا على أنواع الأسلحة التي تشمل مدافع الهاون والقاذفات المختلفة.

(این برنامه‌ی آموزشی، صبحگاه با تمرین انواع سلاح‌ها شامل خمپاره و راکت‌های مختلف آغاز می‌شود.)

۳-۱-۷ واژه‌ی نوگزیده: صَحْنِ دَارَايِ مَعْنَايِ نَخْسْتِيْنِ نَوْعِي ظَرْفِ يَا جَامِ دَر مَعْنِي امْرُوْزِي دِيْشِ مَاهُوَارِه:

متن دارای معنای نخستِ نوعی ظرف یا جام از معلقه‌ی عمروبن کلثوم تغلبی:

أَلَا هُبِّي ب [صَحْنِ] كِ فَاصْبِحِيْنَا وَلَا تَبْقِيْ خُمُوْرَ الْأَنْدَرِيْنَا

(الزوزنی، ۱۴۰۵: ۱۱۸)

(ساقیا برخیز و ما را صبحی بنوشان و شراب‌های ناب منطقه‌ی اندرین را فرو مگذار!)

متن دارای معنای نوین دیش ماهواره: مدینه کم‌دینه مراکش تصل نسبه الصحون اللاقطه فيها الى ٦٠ في المئة من المنازل.

(در شهری مثل مراکش، میزان دیش‌های ماهواره به نسبت خانه‌ها به ۶۰٪ می‌رسد.)

۳-۱-۸ واژه‌ی نوگزیده: سِرْبِ دَارَايِ مَعْنَايِ نَخْسْتِيْنِ دَسْتِهِي پَرْنَدِگَانِ وَ دَر مَعْنِي امْرُوْزِي اسكادران هوايما.

متن دارای معنای نخستِ دسته‌ی پرندگان از معلقه‌ی امرؤ القیس:

فَعْنٌ لَنَا [سِرْبٌ] كَأَنَّ نِعَاجَهُ غَذَارِي دُوَارٍ فِي مَلَأٍ مُدَيِّلٍ

(البستانی، ۱۴۲۵: ۳۶)

(پس از چندی در برابر دیدگان ما، گله‌ای پدیدار گشت که گویا گوزن‌هایش، دوشیزگانی بودند که دامن‌کشان و خرامان، به گرد سنگ مقدّس در طواف بودند.)
 متن دارای معنای نوین اسکادران هواپیما: الملك عبد الله الثاني ملك الأردن سيشارك بنفسه في قيادة سرب طائرات ١٦F و ستقوم بقصف مواقع لتنظيم «داعش».
 (ملک عبدالله دوم، پادشاه اردن شخصاً در هدایت اسکادران هواپیماهای ١٦F شرکت خواهد کرد و اقدام به بمباران پایگاه‌های گروهک داعش خواهد نمود.)
 ٣-١-٩ واژه‌ی نوگزیده: خَلَايا: جِ خَلِيَّةٍ دَارَايِ مَعْنَايِ نَخْسْتِيْنِ سِيْنَهِي كَشْتِي يَا كَشْتِي در معنی امروزی سلول و گلبول.

متن دارای معنای نخستِ کشتی از معلقه‌ی طرفه:

كَأَنَّ خُدُوجَ الْمَالِكِيَّةِ عُدُوهُ [خَلَايا] سَفِيْنٍ بِالنَّوْاصِفِ مِنْ دَدِ

(الزوزنی، ١٤٠٥: ٤٥)

(پنداری کجاوه‌های معشوق مالکی من، سپیده‌دمان روز کوچ و جدایی در پهنای شاهراه صحرای دد در چشمم، کشتی‌هایی بودند غول‌پیکر.)
 متن دارای معنای نوین سلول: يسبح في البلازما ثلاثة أنواع من الخلايا هي: خلايا الدم الحمراء، خلايا الدم البيضاء و الصفائح الدموية.
 (در پلاسماي خون، سه نوع سلول شناور است شامل گلبول‌های قرمز خون، گلبول‌های سفید خون و پلاکت‌ها.)

٣-١-١٠ واژه‌ی نوگزیده: نَادِي دَارَايِ مَعْنَايِ نَخْسْتِيْنِ نَدَا دَهْنَدِه و فَرِيَادِزْنَنْدِه يَا نَشْسْت و محفل در معنی امروزی باشگاه ورزشی.

متن دارای معنای نخستِ نشست از رثاء صخر خنساء:

حَمَالُ أَلُوِيَه هَبَّاطُ أُوْدِيَه شَهَادُ [أُنْدِيَه] لَلْجِيْشِ جَرَّارُ

(همان: ٢/٢٦٩)

(برادر من، صخر همواره علمدار و پرچمدار نبرد بود؛ او بود که پیوسته در درّه‌ها فرود می‌آمد، در انجمن‌ها و محافل حاضر بود و مورد مشورت و سردار لشکر و به پیش‌راننده‌ی سپاه بود.)

متن دارای معنای نوین باشگاه ورزشی: **وعقد رئیس النادی خالد البطان اجتماعاً مطولاً مع اللاعبین.**

(رئیس باشگاه، خالد البطان، یک نشست طولانی با بازیکنان داشت.)

پس از بررسی این دسته از برابرنهادها باید بیان داشت که در کاربرد تازه‌ی واژگان و در میان گویشوران زبان عربی، این دسته از اقبال بیشتری برخوردار بوده و کاربرد و رواج فزونتری یافته است؛ مهمترین دلیلی که چنین برداشتی را بیشتر تبیین می‌سازد، ارتباط و پیوند روشن میان کاربرد جدید واژه با معنای پیشین خود و در حقیقت توسعه‌ی معنایی اندک آن نسبت به معنای پیشین می‌باشد؛ مخاطبان نیز در دریافت معنا و مدلول این برابرنهادها با ابهام یا مشکلی مواجه نمی‌شوند و از این رو این دسته از واژه‌گزینی نسبت به دیگر دسته‌ها، گستره‌ی بیشتری را به خود اختصاص داده و از مقبولیت بیشتری برخوردار است.

۳-۲ استناد نوگزیده در متون منثور دیرین

پیش از ورود به بحث اصلی این بخش، پدیدآور نوشتار خاطر نشان می‌سازد که ورود و نمود این دسته از واژگان نوگزیده در متون کلاسیک، بیشتر در ادبیات منثور بوده است که به دلیل گسترده بودن حجم آن‌ها و نیز فراگیری و شمول زمانی و مکانی، نویسنده در بیان معنای دیرین و نخست به ارائه‌ی شواهد از معاجم و آثار معتبر مانند لسان العرب ابن منظور، الإفصاح حسین یوسف موسی، المحيط فی اللغه از صاحب بن عبّاد، مفردات ألفاظ القرآن از راغب اصفهانی و معجم مقاییس اللغه ابن فارس پرداخته است و در ادامه به ارائه‌ی برخی نمونه‌ها به عنوان شاهد معنای نوین از متون علمی یا خبری معاصر همت گماشته است؛ بررسی‌های نویسنده نشان می‌دهد که این دسته از نوگزیده‌ها در مقایسه با دسته‌ی پیشین توسعه‌ی معنایی بیشتری داشته‌اند و مدلول نوین آن‌ها بیشتر در متون علمی تخصصی کاربرد دارد و از این رو در بسیاری از موارد، معنای نوین برای مخاطب عام دارای ابهام و یا حتی غریب است و از

گستره‌ی کاربرد و رواج کمتر و مقبولیت کمتری نیز برخوردار می‌باشد و به همین علت، بررسی‌های نگارنده در برخی از این نمونه‌ها، نشان‌دهنده‌ی رواج وام‌واژگان لاتین به جای این مدلول توسعه یافته می‌باشد.

۳-۲-۱ واژه‌ی نوگزیده: **بطاقه دارای معنای نخستین نامه و ورقه در معنی امروزی کارت، بلیط و...**

متن دارای معنای نخست نامه و ورقه از ابن منظور:

البطاقه: الورقه عن ابن الأعرابی و قال غيره رقه صغيره يُنبتُ فيها مقدار ما تجعل فيه إن كان عيناً فوزنُه أو عدده و إن كان متاعاً فقيمتُه.

متن دارای معنای نوین کارت: أعلن خالد حنفي، أنه تم الاتفاق مع وزارة التنمية الإدارية المشرفه فنيا و إداريا على الشركات الثلاث المسؤولة عن استخراج **بطاقات التموين الذكيه.**

(خالد حنفي اعلام کرد که توافق با وزارت توسعه‌ی اداری که ناظر فنی و اداری کار سه شرکت مسئول تهیه ی کارت‌های هوشمند تغذیه می‌باشند، انجام پذیرفته است.)

متن دارای معنای نوین بلیط: تعتبر **بطاقه القطار** هي الوسيله المثلى لتوفير النقود حيث يمكنك السفر بنصف الثمن أياً كانت المسافه.

(بلیط قطار بهترین وسیله جهت پس‌انداز و ذخیره‌ی نقود است چرا که قطار امکان سفر به شکل نیمه‌بها را مهیا می‌سازد با هر مسافتی.)

۳-۲-۲ واژه‌ی نوگزیده: **الفأره دارای معنای نخستین موش در معنی امروزی ماوس کامپیوتر.**

متن دارای معنای نخست موش از الإفصاح حسین یوسف موسی:

الفأره: الواحد من الفأر و هي جنس حيوان من الفصيله الفأريه و رتبه القواضم. تُهمز و لا تُهمز.

متن دارای معنای نوین ماوس کامپیوتر: **فأره الحاسوب** هي إحدى وحدات الإدخال في الحاسوب يتم استعمالها يدويا للتأشير و النقر.

(ماوس کامپیوتر یکی از وسایل ورودی رایانه است که به شکل دستی جهت نشان دادن و کلیک کردن به کار می‌رود.)

۳-۲-۳ واژه‌ی نوگزیده: **نقر دارای معنای نخستینِ سوراخ کردن، فرا خواندن و صدا زدن و در معنی امروزی کلیک کردن.**

متن دارای معنای نخستِ سوراخ کردن از المحيط فی اللغه صاحب بن عبّاد:
النَّقْر: ضَرْبُ الرَّحَى وَ الْحَجَرِ وَ غَيْرِ ذَلِكَ بِالْمَنْقَارِ.

متن دارای معنای نوین کلیک کردن: **النقر المستمر على الفأره (الماوس) قد يبدو أمراً هيناً** لکن کثیر من مستخدمی الكمبيوتر یجدون أن الألم یبدأ فی الید.
(کلیک کردن مداوم بر روی ماوس، کار آسانی به نظر می‌رسد ولی بسیاری از کاربران رایانه درمی‌یابند که این درد از دست آغاز می‌شود.)

۳-۲-۴ واژه‌ی نوگزیده: **فُتَحَ دارای معنای نخستینِ شکاف و سوراخ و در معنی امروزی درگاه یا پورت.**

متن دارای معنای نخستِ شکاف و سوراخ از ابن منظور:
و **الْفَتْحَة** فی الشیء الفُرْجَة وَ الْجَمْعُ فَتَحَ مِثْلَ عُرْفِهِ وَ عُرْفَ.
یرجى إغلاق غطاء **الفتح** و قلب الكمبيوتر المحمول مع جعل ظهره مواجهاً للأعلى.
(باید درپوش پورت بسته شود و لپ‌تاپ به گونه‌ای که پشت آن رو به بالا قرار گیرد، برگردانده شود.)

۳-۲-۵ واژه‌ی نوگزیده: **البيانات دارای معنای نخستینِ آشکار کردن و در معنی امروزی اطلاعیه، بیانیّه.**

متن دارای معنای نخستِ آشکار کردن از مفردات ألفاظ القرآن راغب اصفهانی:
البيان: الكشف عن الشیء و هو أعمّ من النطق و یسمی ما بین به بیانا.
متن دارای معنای نوین بیانیّه: **قالت المتحدثه باسم وزارة الخارجية الإيرانية مرضیه أفخم إنّ بیان الدول المشاركه فی قمه کامب دیفید یدل علی تناقض بین أفعالها وأقوالها.**

(سخنگوی وزارت امور خارجه‌ی ایران، خانم مرضیه افخم گفت که بیانیه‌ی دولت‌های شرکت‌کننده در نشست سران کمپ دیوید نشانگر تناقض میان گفتار و رفتار آنهاست.)
 ۳-۲-۶ واژه‌ی نوگزیده: تجهیز دارای معنای نخستین آماده کردن و در معنی امروزی فرمت کردن.

متن دارای معنای نخست آماده کردن از فؤاد أفرام البستانی:

التجهيز: جَهَّزْتُ الرجل إذا هيأت له جهاز سفره فلما قال الله تعالى: «فَلَمَّا جَهَّزَهُم بِجَهَّازِهِمْ»
 متن دارای معنای نوین فرمت کردن: تجهيز قرص إقلاع مرن في حالة النسخ القديمه من أنظمة Windows.

(فرمت کردن فلاپی در صورت وجود نسخه‌های قدیمی از سیستم‌عامل ویندوز.)

۳-۲-۷ واژه‌ی نوگزیده: الذاکره دارای معنای نخستین ذهن، یادکننده یا گفتار و در معنی امروزی فلش مموری.

متن دارای معنای نخست یاد کردن و گفتن از ابن منظور:

الذکر: الحفظ للشيء تذكروه و الذکر أيضاً الشيء يجرى على اللسان و جرى الشيء على اللسان.

متن دارای معنای نوین امروزی فلش مموری: الذاکره الوميضيه ثلاثيه الخلايا التي زوّد بها الجوال غير قادره على تحمل الكم الكبير من البيانات.
 (فلش مموری سه هسته‌ای این گوشی همراه، توان نگهداری حجم وسیعی از داده‌ها را ندارد.)

۳-۲-۸ واژه‌ی نوگزیده: التحميل دارای معنای نخستین بار کردن و در معنی امروزی آپلود.

متن دارای معنای نخست بار کردن از الإفصاح يوسف حسين موسى:

التحميل: حَمَلَ الجِمَلَ على ظهر الدابة يحمله حَمَلًا و حَمَلَانًا: رفعه و وضعه عليه.

متن دارای معنای نوین آپلود کردن: من المعروف أنك لا تستطيع تحميل أي كتابه إلكتروني مباشرة إلى الآيباد.

(به نظر می‌رسد که امکان آپلود هیچ کتاب الکترونیکی به شکل مستقیم روی این آی‌پد برای تو وجود ن دارد.)

۳-۲-۹ واژه‌ی نوگزیده: التنزيل دارای معنای نخستین فرود آمدن و در معنی امروزی دانلود کردن.

متن دارای معنای نخست فرود آمدن از معجم مقاییس اللغه ابن فارس:
التَّنْزِيلُ: نَزَلَ.

متن دارای معنای نوین دانلود کردن: حاولت تنزيل الكتب الموجودة في موقع المكتبة الشاملة.

(تلاش کردم کتاب‌های موجود در پایگاه المكتبة الشاملة را دانلود کنم.)

۳-۲-۱۰ واژه‌ی نوگزیده: شَقَّه دارای معنای نخستین تگه یا قطعه و در معنای امروزی آپارتمان.

متن دارای معنای نخست فرود آمدن از ابن منظور:

متن دارای معنای نوین آپارتمان: انتقل هشام شرابي، المفكر الفلسطيني و ناقد الأدب العربي إلى شَقَّه مطَّه على البحر في الطابق العاشر.

(هشام شرابی، اندیشمند فلسطینی و ناقد ادبیات عربی به آپارتمانی رو به دریا در طبقه‌ی دهم نقل مکان کرد.)

۳-۳ ترجمه‌ی وام‌واژگان دارای وند در زبان عربی

پیش از ورود به بحث ترجمه‌ی وام‌واژگان دارای وند در زبان عربی، لازم است جهت ایجاد پیش‌زمینه‌ای ذهنی برای مخاطب، تعریفی کوتاه از وام‌گیری زبانی و چگونگی آن در زبان فارسی ارائه شود؛ روندی که بر بنیاد آن زبان یا گویشی، برخی عناصر زبانی را از زبان یا گویشی دیگر می‌گیرد و در خود جای می‌دهد یا به بیان فرهنگستان، گرفتن و اخذ یک واژه از

زبان‌های بیگانه و معمولاً غربی با همان مفهومی که در زبان مبدأ دارد، قرض‌گیری یا وام‌گیری نامیده می‌شود (آرلاتو، ۱۳۸۴: ۲۰۹ و گروه واژه‌گزینی، ۱۳۸۸: ۴۰) از انواع وام‌گیری زبانی، وام‌گیری واج‌ها و آواها، دستور یا واژگان می‌باشد و وام‌گیری واژگانی (lexical borrowing) در واقع ورود واژگان و اصطلاحات و دانش‌واژه‌های یک زبان به زبان دیگر است. (مدرسی، ۱۳۸۷: ۷۳)

در زبان فارسی در صورتی که نتوان در مقابل یک مفهوم در گنجینه واژگانی زبان فارسی، برابرنهادی مناسبی یافت، کاربرد وام‌واژه با داشتن دو ویژگی، مجاز می‌باشد؛ نخست این‌که وام‌واژه در زبان مبدأ جزء واژگان بسیط باشد و اگر هم بسیط نیست، ساختار صرفی آن مانع از اعمال فرایندهای واژه‌سازی فارسی بر روی آن نشود و دیگر اینکه متخصصان، یافتن برابرنهاد از زبان فارسی را برای آن ضروری ندانند بلکه به دلیل قدمت و گستردگی استفاده، نزد اهل تخصص کاملاً طبیعی به نظر رسد مانند وام‌واژه‌های «تلفن»، «رادیو» و «اتم». (گروه واژه‌گزینی، ۱۳۸۸: ۴۱-۴۰) شایان ذکر است که وام‌واژگان کاربردی زبان فارسی عمدتاً از نوع واحدهای اندازه‌گیری، اسامی شیمیایی، نام داروها و موارد مشابه می‌باشد.

درباره‌ی شیوه‌ی ترجمه‌ی واژگان دارای وند -که محل بحث در این جستار می‌باشند- نگارنده به قاعده، قانون یا اصلی علمی که مانند زبان عربی، وضع فرهنگستان زبان فارسی باشد، دست نیافته است و معادل‌های فارسی ذکر شده در برابر واژگان لاتین نیز که در بخش پسین ذکر شده است نیز بیانگر گونه‌ای نابسامانی و بی‌قاعدگی زبان فارسی نسبت به ترجمه‌ی واژگان دارای وند است ولی به طور کلی در پیوند با شیوه‌های واژه‌گزینی بیان شده است که معادل‌یابی وام‌واژگان می‌تواند به دو شکل مفهومی یا گرده‌برداری صورت پذیرد؛ در معادل‌یابی مفهومی، بدون توجه به ساختار اصطلاح بیگانه و فقط با در نظر گرفتن معنی و تعریف آن در زبان فارسی یک معادل یافته یا ساخته می‌شود مانند قرار دادن واژه‌ی «برج» در برابر skyscraper و در گرده‌برداری، معادل‌یابی با توجه به ساختار اصطلاح بیگانه صورت می‌گیرد بدین معنا که در مقابل هر جزء معنی‌دار اصطلاح بیگانه یک جزء معنی‌دار در زبان فارسی قرار داده می‌شود مانند کاربرد برابرنهادی «بلندگو» به جای loudspeaker.

در زبان عربی، وام‌واژگی و قرض‌گیری واژگان از زبان‌های دیگر با وجود تفاوت دیدگاه‌های زبان‌پژوهان معاصر، در واقع آخرین راه پیش‌روی گویشور و زبان‌شناس است که از سر ناچاری بدان دست می‌یازد و تقسیم وام‌واژه در زبان عربی به دو گروه واژگان معرب/ منطبق با اصول زبان عربی و واژگان دخیل/ غیرمنطبق با اصول زبان عربی، حکایت از حساسیت بالای عرب‌زبانان نسبت به کاربرد ریشه‌ی عربی دارد (مطلوب، ۱۹۸۳: ۲۶) و واقعیت آن است که بیان تقسیم‌بندی‌ها، اصول، قواعد و شرایط وام‌گیری و توضیح انواع آن در زبان عربی و دیدگاه‌های زبان‌شناسان کلاسیک و معاصر عرب در این راستا در مجال این نوشتار نمی‌گنجد از این رو این مقاله به بحثی که در ترجمه و برابریابی وام‌واژگان از طریق واژه‌گزینی در زبان عربی به طور روشن توسط مجمع زبان عربی در مصر، محلّ اتمام قرار گرفته است یعنی چگونگی واژه‌گزینی وندها (پیشوند، میانوند، پسوند) می‌پردازد.

در زبان عربی برای واژه‌گزینی و برابریابی وندهای وام‌واژگان لاتین، ۲ شیوه پیشنهاد شده است که عبارت‌اند از:

۱- ترجمه‌ی معنایی: به این ترتیب که پس از یافتن برابرنهاده‌ای برای اصل واژه یا اصطلاح مورد نظر در زبان مبدأ به دنبال کلمه‌ای باشیم که در بردارنده‌ی دلالت و معنای وند باشد و سپس با ترکیب اضافی یا وصفی دو کلمه در قالب یک هموند، برابرنهاده‌ی پیشنهادی را ارائه نماییم که به نظر می‌رسد در زبان فارسی این چنین برگردان همان است که فرهنگستان زبان «گرده‌برداری» نامیده است «بدین معنا که در برابر هر جزء معنی‌دار از واژه‌ی مبدأ، یک جزء معنی‌دار در زبان فارسی گذاشته می‌شود.» (گروه واژه‌گزینی، ۱۳۸۸: ۴۱) - از نمونه‌های این گونه ترجمه در زبان عربی اصطلاح (liteHypersensibi): پرحساسیتی، دارای پیشوند (Hyper): است که با «فرط» یا «زیاده» واژه‌گزینی می‌شود و با کلمه‌ی اصلی یعنی (sensibilite): که با «الحساسیّه» برابریابی شده است در قالب نهایی ترکیب اضافی «فرط الحساسیّه» ارائه می‌گردد؛ اصطلاح (Colloide): چسبناک، لزج نیز از ریشه‌ی اصلی (Coll) برابر «غراء» و پسوند (oide) معادل «شبه» به شکل ترکیب اضافی «شبه‌غرائی» قابل واژه‌گزینی شده است؛ برای اصطلاح (Geotropisme): زمین‌گرایی/ وابسته به جاذبه‌ی زمین مرکب از

ریشه‌ی (tropisme) معادل «التأود» و پیشوند (Geo) برابر «الأرض»، برابر نهاده‌ی وصفی «التأود الأرضی» پیشنهاد شده است.

از پرکاربردترین پیشوندها در واژگان لاتین (a) یونانی دالّ بر نفی می‌باشد که به علت تفاوت کاربری آن به ریشه‌ی وصفی یا اسمی و متناسب با مقبولیت مخاطبان یا عدم مقبولیت در زبان عربی با برابر نهاده‌هایی مانند «لا»، «بلا»، «بدون»، «غیر»، «عدیم» و واژه‌گزینی شده است چنان‌که برای پیشوند (extra): اضافی، افزونه نیز برابر نهاده‌های «اضافی»، «فوقی» و «خارجی»، برای پسوند (forme): سان، مانند معادل‌های «شبیّه»، «شکل» و «هیئه» و برای پسوند (nomice): قانونی برابر «قانون»، «تقلید»، «قاعده» و «علم» پیشنهاد شده است.

۲- ترجمه‌ی به ساخت: بدین ترتیب که هنگام برابریابی واژه‌ی زبان مبدأ در زبان عربی به شکل قاعده‌مند و قیاسی، وزن و ساخت ویژه‌ی برای وند مورد نظر در کلمه به کار گرفته شود بر این بنیاد، زبان‌کده‌ی قاهره برای ترجمه‌ی پسوند (treme) وزن‌های مفعال و مفعول را که از اوزان اسم آلت است پیشنهاد کرده است و بر این اساس اصطلاح (hydrometre): آبگونه‌سنج، آب‌سنج را به ممیاه و اصطلاح (choronometre) را به «مقیقات» و اصطلاح (telemetre): مسافت‌سنج را به «مراقب» برگردان نموده است و اصطلاح (metreradio): پرتوسنج را به «مِشَع» و اصطلاح (barometre): فشارسنج را به «مِضَغَط» برگردان نموده است؛ پسوند (scope) نیز طبق همین رویکرد زبان‌کده‌ی قاهره برابریابی شده است و اصطلاح (epidiascope): بروندیس‌نما- دستگاهی که تصاویر برجسته‌ی جسمی کدر را ظاهر می‌کند- به «مخیال»، اصطلاح (fluoroscope): فلورنما به «ملصاف» و اصطلاح (telescope): تلسکوپ به «مقراب» واژه‌گزینی شده است.

در فرآیند یادشده پسوند (graphie) در وزن‌های مفعال و مفعول برابریابی می‌شود و از این رو کلمه‌ی (kiugographe): موج‌سنج با «مِواج»، کلمه‌ی (hemeteograp): هواسنج با «مِنوَاه» و اصطلاح (teleographe): تلگراف با «مِبرقه» واژه‌گزینی شده‌اند؛ همچنین از نمونه‌های برابریابی پیشوند نیز در این سبک می‌توان به برگردان پیشوند (hyper) به وزن تفعال در کلمه‌ی (hyperactivite): پرتکاپو معادل «تَنشاط»، برگردان پیشوند (tame) به وزن

إفعیلیّ در اصطلاح (metaphysique): متافیزیک برابر «إطبعیّ» به جای ماوراء الطبعیّ یا غیبی و واژه‌گزینی پیشوند (pre) با وزن فُعْلُوَان در سازه‌ی (prehistoire): ماقبل تاریخ برابر «أرخوان» به معنای پیش از تاریخ اشاره نمود. (خساره، ۲۰۰۸: ۶۰-۴۸)

۳-۴ سرواژه‌سازی

اختصار و کوتاه نمودن واژگان؛ اصطلاحات و گروه‌های نحوی زبان در دوره‌ی معاصر، کاربرد فراوانی یافته است و دکتر محمود فهمی حجازی، زبان عربی را از جمله زبان‌های دارای توانش و قابلیت بسیار جهت بهره‌گیری از فرآیند سرواژه‌سازی همسو با سطح دانش و فن‌آوری جهانی دانسته است؛ (فهمی حجازی، ۱۹۹۲: ۹۵) سرواژه عبارت است از واژه‌ای که هر یک از حروف آن برگرفته از نخستین حرف هریک از اجزاء و وندهای یک گروه-واژه یا گروه اسمی است که در بیشتر موارد نیز با حروف بزرگ نوشته می‌شود هرچند با حروف کوچک و در قالب نوشتار روزمره‌ی واژگان نیز کاربرد دارند مانند سرواژه‌ی «ناجا» که حروفش برگرفته از نخستین حرف هریک از اجزاء گروه-واژه‌ی «نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران» می‌باشد؛ البته افزون بر سرواژه‌سازی از دیگر شیوه‌های اختصار، یکی اختصار تک‌حرفی است مانند ص برگرفته از صفحه، دیگر اختصار چند حرفی مانند ب. م. م: بزرگترین مضرب مشترک، ترخیم مانند «نک» برگرفته از «نگاه کن به»، فشرده‌سازی مانند «الخ» برگرفته از «الی آخر»، و نحت مانند «توانیر» برگرفته از «تولید و انتقال نیرو» یا «نستعلیق» برگرفته از «نسخ» و «تعلیق». (گروه واژه‌گزینی، ۱۳۸۸: ۳۹)

در زبان عربی، از سرواژه‌سازی با نام‌های المختصرات، المصطلحات الاختزالیّه، المصطلحات الاختصاریّه و منحوتات البدء یاد می‌شود که جهت فشرده‌سازی نام‌های طولانی ساخته شده از چندین کلمه - که پیشنهاد برابرنهاده‌ای تک‌جزئی آن‌ها دشوار است - به‌کار می‌روند؛ از نمونه‌های مشهور سرواژه در ادبیات کلاسیک عربی بر اساس یافته‌های نگارنده «کُشاجم» است برگرفته از گروه‌واژه‌ی «کاتب شاعر انشائی جدلی منطقی» یا از گروه «کاتب شاعر ادیب جمیل مُعَنَّ» اما از سرواژه‌های نوساخته‌ی زبان عربی سرواژگان دارای تغییر مکان حروف است مانند «کونا» برگرفته از «وکالاه الأنباء الکویتیه» و «سونا» از «وکاله الأنباء

السوری^۵؛، دیگر از سرواژه‌های نوساخته «داعش» می‌باشد که بنا بر ادعای این گروهک تکفیری از گروه‌واژه‌ی «الدوله الإسلامیة العراقیة الشامیة» برگرفته شده است. از نمونه‌های اختصار تک‌حرفی در زبان عربی ص برگرفته از صفحه است که در زبان فارسی نیز کاربرد دارد، س برگرفته از سؤال و کم برگرفته از کیلومتر، اختصار چندحرفی مانند ص.ن.د برگرفته از صندوق النقد الدولي، م.ص.ع برگرفته از منظمه الصحه العالمیة و أ.ش.أ برگرفته از أنباء الشرق الأوسط، ترخیم مانند «یا حار» برگرفته از «یا حارث»، «یا معدی» برگرفته از «یا معدی کرب» و نحت مانند «ألبر» برگرفته از «الله اکبر»، «حلمأ» برگرفته از «حَلَل الماء» و «بَدَعَد» برگرفته از «بدأ عاد»؛ شایان توجه است که براساس تحقیق نویسنده‌ی مقاله نمونه‌های ذکر شده برای ترخیم و فشرده‌سازی در زبان فارسی در زبان عربی، حکم نحت را دارند و واقعیت ترخیم با نمونه‌های ارائه شده در زبان فارسی کاملاً متفاوت است.

نتیجه

مطالعه و بررسی فرآیند واژه‌گزینی گویشوران عرب‌زبان در دوره‌ی معاصر، نظر به اشتقاقی و صرفی بودن زبان عربی که در تقسیم‌بندی ماکس مولر نیز در جرگه‌ی خانواده‌ی زبان‌های حامی-سامی یا سومری کهن قرار دارد نشان می‌دهد که فرآیند واژه‌گزینی که زبانشناسان معاصر عرب از آن با نام «ترجمه» نیز یاد کرده‌اند در رده‌ی دوم و پس از واژه‌سازی و تولید واژگان نوین از طریق اشتقاق و ترکیب قرار می‌گیرد و به عنوان راهکاری جهت برابریابی دانش‌واژگان و اصطلاحات جهان امروز کاربرد دارد؛ همچنین نگارنده پس از بازخوانی شیوه‌های واژه‌گزینی در زبان عربی معاصر، چند الگو و تکنیک کاربردی را در فرآیند واژه‌گزینی این زبان شناسایی نمود که بنا بر ارزش کاربرد عبارت اند از: نوگزینش و برگزینش که ذیل مقوله‌ی دیرین مجاز در زبان عربی گنجانده می‌شوند، ترجمه‌ی وام‌واژه با دیدگاه معانگرا یا ساخت‌محور و سرواژه‌سازی. چگونگی ترجمه و واژه‌گزینی وندهای دانش‌واژگان زبان مقصد اعم از پیشوند، میانوند و پسوند نیز حکایت از آن دارد که در زبان عربی برای برگردان وندهای لاتین، دو شیوه‌ی ترجمه‌ی معنایی و ترجمه‌ی به ساخت پیشنهاد شده است و واپسین فرآیندی که بر اساس نتایج پژوهش حاضر، در برابریابی و اصطلاح‌گزینی

معاصر عربی کمتر مورد اقبال گویشوران و اهل زبان قرار گرفته است، سرواژه‌سازی است هرچند صاحب‌نظران در زبان عربی نیز به مانند زبان‌های فارسی و انگلیسی جهت اختصار و نیز تسهیل فرآیند به یاد سپردن و یادآوری نام‌های طولانی از الگوی سرواژه‌سازی نیز بهره گرفته‌اند.

کتابنامه

- آرلاتور، آنتونی (۱۳۸۴): درآمدی بر زبان‌شناسی تاریخی، ترجمه ی یحیی مدرس، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اسلامی، تهران.
- ابن منظور (دت): لسان العرب، دار صادر، بیروت.
- اتحاد الأطباء العرب (۱۹۸۴، ط ۴): المعجم الطبّی الموحّد، دار طلاس، دمشق.
- البنستانی، فؤاد افرام (۱۹۹۸، ط ۴): المجانی الحدیثه، دارالفقه للطباعه و النشر، لبنان.
- الثعالبی، أبو منصور (دت): فقه اللغه و سرّ العربیه، دار الکتب العلمیه، لبنان.
- الجرام، علی و أمین، مصطفی (۱۳۷۹، چاپ اول): البلاغہ الواضحہ، انتشارات الهام، تهران.
- خساره، محمد (۲۰۰۸): علم المصطلح و طرائق وضع المصطلحات العربیّه، دارالفکر، دمشق.
- الخطیب، أحمد شفیق (۱۹۸۵): الموسوعه الطبیعه المیسرّه، مکتبه لبنان، بیروت.
- الخطیب، عدنان (۱۹۸۳): المعجم العربی، مجله مجمع دمشق، دمشق.
- الختیاط، محمد هیثم (دت): المصطلحات العلمیّه و نظریّه الضروره، الموسم الثقافی السابع الأردنی.
- الزوزنی، القاضی الإمام أبو عبد الله الحسین بن أحمد (۱۴۰۵ه.ق): شرح المعلقات السبع، چاپ امیر، قم.
- الشحات، سمیر: ۱۴۵ عاما علی افتتاح قناه السویس، مجلّه الأهرام.
- الشرقاوی، اقبال (۱۹۹۱): معجم المعاجم، دار الجیل، بیروت، لبنان.
- الشّهابی، مصطفی (۱۹۶۵، ط ۲): المصطلحات العلمیّه فی اللغه العربیّه فی القدیّم و الحدیث، مطبوعات مجمع اللغه العربیّه، دمشق.
- فلبر، هلموت (۱۳۸۱، چاپ اول): مبانی اصطلاح‌شناسی، ترجمه‌ی محسن عزیزی، مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران.
- القرطاجنی، ابوالحسن حازم، (۱۹۶۴)، دیوان، تحقیق عثمان الکعاک، دار الثقافه، منشورات المکتبه الأندلسیّه.

گروه واژه‌گزینی فرهنگستان زبان فارسی (۱۳۸۸)، ویراست سوم): اصول و ضوابط واژه‌گزینی، انتشارات فرهنگستان، تهران.

مختار عمر، أحمد (۱۹۸۲): علم الدلاله، مکتبہ دار العروبه للنشر و التوزیع، الكويت.

مدرسی، یحیی (۱۳۸۷): درآمدی بر جامعه‌شناسی زبان، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اسلامی، تهران.

مطلوب، أحمد (۱۹۸۳): حرکة التعریب فی العراق، المنظّمه العربیة للتربیة و الثقافه و العلوم، بغداد.

الهاشمی، أحمد (۱۴۲۵ه.ق، ط ۱): جواهر البلاغہ فی المعانی و البیان و البدیع، انتشارات اسماعیلیان،

هداره، مصطفی، (۱۹۵۸)، مشکله السرقات فی النقد العربی.

یارمحمدی، لطف الله (۱۳۸۵)، چاپ اول): ارتباطات از منظر گفتمان‌شناسی انتقادی، انتشارات هرمس، تهران.

یول، جورج (۱۳۸۶)، چاپ هفتم): نگاهی به زبان، بررسی زبانشناختی، ترجمه‌ی نسرین پرویزی،

سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی، تهران.